آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

« بهای اشتراك »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ »

برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر دولتی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

جای اداره:
(خیابان شاه کوچه حمام)

آژیر روزهای یکشنبه ـ سه شنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود

سال اول ـ شماره ۵۴ | صبح پنجشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۲۳ | تکشماره یکریال

رضاشاه و مسعودی ها آزادی میخواهند

« انسان تا آنجا آزاد است که از آزادی او به آزادی دیگران لطمه وارد نیاید »

[illegible]

خلاصه اعلامیه دکتر میلسپو

[illegible]

بجوانان کلدانی

این چند روزه عده زیادی از جوانان [illegible] کرده بمناسبت تلگرافی که راجع به حق [illegible] امضاء کرده اند.

[illegible]

دکان این جنایتکاران را باید بست

[illegible]

دادن به هتاکی آنها چشم میپوشیم [illegible] بطور صریح اعتراف کرده اید [illegible]

[illegible]

آئین نامه تثبیت قیمتها شماره ۱۶۵ مورخ ۱۷ مرداد ماه ۱۳۲۳

[illegible]

اگر توصلاح خودرا در این تشخیص داده ای چه بهتر این گوی و این میدان .

[illegible]

روز نامه نوبهار این هفته منتشر میشود

در دنیا چه خبر است

روز نامه های ترکیه راجع به سقوط ارل چه مینویسند

[illegible]

بمباران هوا پیما ها

[illegible]

دعوت روزولت

واشنگتن - طبق اطلاع خبر گزاری انگلیس روزولت رئیس جمهوری امریکا [illegible] دعوت کرده است [illegible]

اعطاء نشان

لندن - طبق اطلاع خبر گزاری انگلیس روزولت رئیس جمهوری امریکا [illegible]

حملات هوائی بر ایتالیا

لندن - طبق اطلاع خبر گزاری انگلیس [illegible] ایتالیا حمله برده و خطوط آهن جاده های آنرا بمباران کرده و [illegible] آزبر داده شدو [illegible] از حملات هوائی دشمن [illegible]

پیشرفت قوای شوروی بطرف خارکف و بریانسک

مسکو - خبر گزاری شوروی [illegible]

پیشرفت و ۳ فتح هزار و ششصد اسیر

ستاد ارتش متفقین در شمال افریقا [illegible]

مندرجات روز نامه های ترکیه راجع بورود در حنگ

استانبول - طبق اطلاع خبر گزاری [illegible]

از سه طرف بخارکف حمله می شود

مسکو - [illegible]

محاصره شدن چندین واحد از نیروی آلمان

لندن - طبق اطلاع خبر گزاری انگلیس [illegible]

۷۲۷۴ هواپیمادر یک ماه ساخته شده

واشنگتن - طبق اطلاع خبر گزاری [illegible]

تلفات نیروی آلمان در عرض سه روز

[illegible]

سؤال از آقای سهیلی

آقای سهیلی [illegible]

بمباران ایستگاه های ژاپون

ستاد ارتش متفقین در جنوب باختری اقیانوس آرام - طبق اطلاع خبر گزاری انگلیس [illegible] روز کوا) و بلا یافته و بخته شد.

چاپخانه داور

قشون شوروی به ده میلی شمال خارکف رسیده است

استکهلم - چهانگه (برنارد والری) مخبر مخصوص خبر گزاری انگلیس از استکهلم گزارش میدهد نیروهای شوروی مشغول تعقیب لشکرهای محاصره شده آلمانیها میباشد و بطوریکه اظهار اطلاع میشود اکنون ده میلی شمال خارکف رسیده اند بطوریکه دیشب در مسکو اعلام شده است جناح چپ گازانیر شوروی که از جوکوبف سوی خارکف پیش میرود مرتبا به بیست میلی جنوب خاوری این تکیه گاه مهم رسیده است خارکف

از دفتر خاطرات زندان — بقلم ح ۰ ر

ترک غذا

[illegible]

... و با وجود این بلانکلیفی که یک سال بیشتر طول کشیده بود همه سخت نارا ... بوده بی بهانه می گفتند

در کشور های قانونی زندانیان ... پیش تصمیم خودرا ... سایر چیزها نمی برند حتی میگویند ...

بدست نیروهای ممتاز آلمان مشغول ... لشکرهای ادلف هیتلر و آلمان بزرگ ... داس رایش حراست ودفاع میشود.

انتقال اغلب از ادارات برلن به کراکوی و پوزنان

لندن - خبر گزاری انگلیس اطلاع میدهد بنابر خبری که از استکهلم ... خبر گزاری لهستان رسیده است ... اداره آگاهی از برلن به شهرستانهای دیگر انتقال یافته است و بر طبق همین خبر بسیاری از ادارات دولتی ... برلن به (کراکوی) و (پوزنان) انتقال یافته اند.

تالیف ا. پوشکین — ترجمه کریم کشاورز

داستان دوبروسکی

- مشکرم از اینکه از انجام خواهشم امتناع نکردید. اگر به ملاقات ... رضا نمیدادید ... من قابل تقریر نبود. ماریا کیریلوونا ... که قبلا حاضر کرده بود پاسخ داده و چنین گفت:
- امیدوارم مرا از این اقدام ... پشیمان نکنید.
دلوورژ سکوت اختیار کرد ... میخواهد برای ادای مطلبی ... نیروی خودرا جمع کند و بالاخره گفت:
- اوضاع طوری پیش آمده که من مجبورم شما را ترک کنم ... شاید بزودی ... ولی قبل از مفارقت میخواستم شخصا با شما گفتگو کنم.
ماریا کیریلوونا جوابی نداد. این کلمات را مقدمه اظهار محبت میدانست. ... سخن خود را دوام داد و چنین گفت:
- من آنکس که شما تصور میکنید نیستم. من دلوورژ فرانسوی نبوده و دوبروسکی هستم.
بشنیدن این کلمه ماریا کیریلوونا فریادی زد.

... من همان شخص ... که پدر شما ... محروم کرده و از اطاق ... خانه ... زندگی ... ولی ... به شما ... مطلع ... اطراف ... گردش میکردم ... آتش زده و از کلاه ... طرف داخل اطاق ... میخوابید ... در همان آن شما ... من گذشتید ... نمودید ... که ... انتقام ... را ... اینکه از دور ... ساعت ... گردش میکردم.

در اثنای گردشهایتان ... از روی بی احتیاطی از دهکده دور میشدید ... در پشت بیشه ها و درختها پنهان میشدم ... شما حفاظت میکنم ... بالاخره ... میان آمدی ... پا ... خود ... من در خانه شما منزل گزیدم این سه هفته روزهای سعادت من بود و تنها مسرت زندگی پرالالم من یاد این ایام خواهد بود.

امروز خبری بمن رسید که دیگر نمیتوانم اقامتم را در اینجا ادامه دهم. امروز والساعه از شما جدا میشوم. ولی پیش از توضیح میبایستی ... کشف کنم که به شما تکیه و ... یادم نمانید. گاهی ... دوبروسکی یاد کنید. بدانید که او برای ... و شغل دیگری ... بود ... از محبت شما ... و گاهی ... در این موقع صدای ... ملایمی شنیده شد و دوبروسکی سکوت اختیار کرد.

دست ماریا کیریلوونا را گرفت و بطرف لبهای سوزان خود برد. صدای سوت تکرار شد.
- مرا خبر میکنند. می طلبند. دقیقه تاخیر ممکن است باعث هلاکم شود.
قدری از آن محل دور شد. ماریا کیریلوونا بی حرکت ایستاده بود. دوبروسکی برگشت و دوباره دستش را گرفت و با صدائی ... گفت:
- اگر وقتی بدبختی بشما روی کند ... و حمایتی ... باشید - آیا وعده میدهید که به من رجوع کرده و هر اقدامی را که برای نجاتتان لازم باشد از من بخواهید. آیا وعده میدهید که این فداکاری ... نکنید؟
ماریا کیریلوونا میگریست و سخن نمیگفت. صدای سوت بار سوم شنیده شد. دوبروسکی بصدای بلند گفت:
- شما مرا به کشتن میدهید. تا جواب ندهید ترکتان نخواهم گفت. وعده میدهید یا نه؟